

شناخت چهار نسخه خطی از آثار عبدی بیگ شیرازی

(منظومه‌های بحر مسجور، منشور شاهی، مروّج الأسواق و مهیّج الأشواق)

علی شهسواری*

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۲۱

امیربانو کریمی**

تاریخ پذیرش: ۹۸/۵/۱۵

ابوالفضل مرادی***

چکیده

خواجه زین العابدین علی بن عبد المؤمن شیرازی، از شاعران مورخ و مستوفیان سده دهم هجری است او از دو تخلص نویدی و عبدی در شعرش استفاده کرده و در نظیره‌پردازی تواناست، سه خمسه به تبع نظامی و «بوستان خیال» را به پیروی از «بوستان» سعدی و هفت مثنوی «خزائن الملکوت» را به تقلید از «هفت اورنگ» جامی سروده است و دارای آثار فراوانی به نظم و نثر است که هنوز تعدادی از آن‌ها ناشناخته مانده و یا تصحیح نشده‌اند، و چون ۴۰ سال در دربار شاه تهماسب، مستوفی بوده است شعرش حاوی مطالب مهمی از این برهه از تاریخ کشورمان است، شعر او را در این مثنوی‌ها باید نوع جدیدی از انواع شعر تلقی کرد و با احتیاط واجب علمی می‌توان گفت که عنوان شعر تعلیمی-تبلیغی برای آن مناسب باشد. «خزائن الملکوت» او دارای هفت بخش یا خزانه است و تا کنون دو نسخه از آن شناسایی شده ولی هیچ کدام از منظومه‌های آن تصحیح نشده‌اند و چون بیم از آن است که هر لحظه یک نسخه خطی در اثر حادثه‌ای و یا سهل انگاری از بین برود، تعجیل در تصحیح این نسخ، موجه و ضروری می‌باشد.

کلیدواژگان: عبدی بیگ شیرازی، خزائن الملکوت، کلیات نویدی، بحر مسجور.

* دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.

amirbano.karimi@gmail.com

** استاد دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.

*** استادیار دانشگاه فرهنگیان پردیس قم.

نویسنده مسئول: امیربانو کریمی

مقدمه

آنچه که هویت یک ملت را در طول تاریخ از گزند حوادث و فراموشی نگاه می‌دارد فرهنگ به‌جای‌مانده آن ملت و قوم و نژاد است، فرهنگ هم در تمدن پیشینیان به صورت نقش و نگارها، تندیس‌ها، سنگ‌نوشته‌ها و کتاب‌ها و... باقی مانده است و شاید به این دلیل باشد که می‌توان گفت فرهنگ‌ها هرگز میرا نیستند بلکه یا متحوّل می‌شوند و یا در اثر سوانح روزگار کمرنگ و بی‌رونق می‌گردند ولی حقیقتاً پیوسته مانا هستند؛ و البته که بار سنگینی از این ماندگاری فرهنگ، همیشه بر دوش شعر و ادبیات بوده است. نسخ خطی علوم مختلف، عناصر نیم‌مرده فرهنگ هر قوم و تمدنی هستند که باید حیات را بدانان بازگرداند، بنابراین تصحیح یک نسخه خطی از پیشینیان، هم احیای نبض یک فرهنگ کهن است و هم زدودن زنگار از آن‌هاست و هم گشودن قفل ورود به دروازه‌های میراث مکتوبی است که باید محتوی آن‌ها به فرزندان و وارثان آن مرز و بوم و دیگر ملل برسد.

شاعران و نویسندگان و دانشمندانی که اندوخته‌ها و تجربه‌های خود را در گذشته مکتوب کرده‌اند واصلان فرهنگ نیاکان ما، به نسل آینده هستند و دین بزرگی برگردن بازماندگان آن فرهنگ و تمدن و تاریخ دارند، پس بر کسانی که توانایی دارند لازم است که در ادای این دین، همت گمارده و قدم پیش نهند و گرد و غبار کهنگی را از این آینه‌های میراث دیرینه پاک کنند تا هم در دسترس علاقه‌مندان قرار گیرند و هم ماندگار شوند. بدیهی است که عوامل سازنده یک فرهنگ از قبیل دین، مذهب، باورها، زبان، هنر، شعر، تمدن، تاریخ و غیره، همگی با هم و در یک زمان مشخص و فی‌البداهه ساخته نشده‌اند بلکه متناوب، پدید آمده و سلسله‌وار در گذر روزگار به هم آمیخته گشته‌اند و موجب کمال و پویایی یک‌دیگر شده‌اند.

پس زمانی که یک اثر تاریخی از گذشتگان زنده می‌شود و مورد استفاده قرار می‌گیرد نه تنها ما را از مزایای زمان آفرینش آن اثر بهره‌مند می‌سازد بلکه ما را به لایه‌های جدید و ناشناخته‌ای در تاریخ پیش از آن اثر، نیز راهنمایی و دستگیری می‌نماید و همین لایه‌های تودرتو و پیوسته تاریخی است که مجهولات ما را از گذشته کم می‌کند و یا از بین می‌برد.

عبدی بیگ شیرازی شاعر و مورخ پرکار

«خواجه زین العابدین علی بن عبد المؤمن شیرازی از شاعران و مستوفیان سده دهم هجری است، مولدش را سام میرزا و امین رازی و تقی الدین کاشی و آذر، شیراز و او را از بزرگ زادگان آن شهر دانسته‌اند اما مولوی محمد مظفر حسین صبا در «روز روشن» نوشته است که او اصفهانی بود و به وجه کثرت اقامتش در شیراز بعضی او را شیرازی دانسته‌اند و گاه هم او را به نیشابور نسبت داده یعنی با مولانا عبدی نیشابوری از خوشنویسان مشهور پایان عهد تیموری و آغاز دوره صفوی اشتباه کرده‌اند» (صفا، ۱۳۶۷: ۵، ۲، ۷۴۷).

ابوالفضل هاشم اوغلی رحیموف که بسیاری از آثار عبدی بیگ را در روسیه تصحیح و چاپ کرده از کتاب تاریخی «تکملة الأخبار» عبدی بیگ، زادگاه وی را چنین استنباط کرده است: «عبدی بیگ شیرازی در نهم ماه رجب سال ۹۲۱ق، در شهر تبریز دیده به دنیا گشوده، تحصیلات خود را در تبریز در محضر شیخ علی بن عبدالعلی به پایان رسانیده است» (رحیموف، ۱۹۷۷).

شاعر در کتاب «تکملة الأخبار» خویش اشاره می‌کند که اجدادش شیرازی هستند و به تبریز آمده‌اند، با این حال او علاقه‌اش را به شیراز و انسایش نشان می‌دهد و می‌سراید:

کنم شیراز را خرم دگر بار	که آمد سعدی ثانی به گفتار
نوی سعدی ار کم شد به تقدیر	بود آوازه عبدی جهانگیر

(رحیموف، ۱۹۶۷: ۱)

«عبدی بیگ به واسطه شغل مستوفی‌گری در دربار شاه تهماسب صفوی کلاً در آذربایجان بوده و آنقدر که به تبریز و اردبیل و قزوین رفت و آمد و وابستگی داشته به هیچ شهر دیگری علاقه نشان نداده است. عبدی بیگ کتاب «صریح الملک» خویش را درباره موقوفات بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی می‌نویسد و خمسه سوم «جنات عدن» را نیز در وصف بناها و عمارات و باغ‌ها و خیابان‌های قزوین می‌سراید، در اواخر عمرش به اردبیل برگشت و در سال ۹۸۸ در همان شهر دار فانی را بدرود گفت» (رحیموف، ۱۹۶۷: ۱۱).

آثار عبدی بیگ

آثار عبدی بیگ را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد. الف: آثار چاپ شده شامل خمسه اول (مظهر الأسرار، جام جمشیدی، مجنون و لیلی، هفت اختر، آیین اسکندری). از خمسه دوم (جوهر فرد، دفتر درد، فردوس العارفین، انوار تجلی). خمسه سوم یا جنات عدن (روضة الصفات، دوحه الأزهار، جنة الأثمار، زينة الأوراق، صحيفة الإخلاص). تکملة الأخبار. صریح الملک. سلامان و ابسال.

ب: آثاری که نامشان در دیگر کتب وی آمده ولی خبری از آنها نیست از جمله بوستان خیال. طرب نامه. دیباچه البیان.

ج: آثاری که چاپ نشده‌اند: خزائن الملکوت (منظومه پنجم از خمسه دوم). گل و ریحان. قصص الأنبياء.

پیشینه تحقیق

بسیاری از آثار عبدی بیگ را خاورشناس برجسته شوروی سابق *ابوالفضل هاشم اوغلی رحیموف*، در مسکو تصحیح و چاپ کرده است از جمله تکملة الأخبار، دوحه الأزهار، مظهر الأسرار، جوهر فرد، آیین اسکندری، مجنون و لیلی، هفت اختر، جنة الأثمار، زينة الأوراق، صحيفة الإخلاص، روضة الصفات، جنات عدن. بعضی هم در ایران تصحیح شده‌اند از جمله *عبدالحسین نوایی* «تکملة الأخبار» را در سال ۱۳۶۹ چاپ کرده است. محمود محمد هدایتی «صریح الملک» را در سال ۱۳۹۰ چاپ کرده است. فاطمه مدرس و وحید رضایی حمزه‌کندی «سلامان و ابسال» را در سال ۱۳۹۱ چاپ کرده‌اند. *احسان اشراقی* و *مهرزاد پرهیزگاری* خمسه دوم (جنات عدن) را در سال ۱۳۹۵ چاپ کرده‌اند، همچنین چندین مقاله درباره کارهای عبدی بیگ در مجلات نوشته شده است.

نسخ موجود خزائن الملکوت

تا کنون دو نسخه از «خزائن الملکوت» شناخته شده است، یکی در نسخه خطی (کلیات نویدی) است که به شماره ۲۴۲۵ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. در فهرست آن چنین نوشته شده است: «کلیات نویدی مشتمل بر دو خمسه و

یک هفت خزانه کلاً بیست و هفت هزار و ششصد بیت است» و سپس نام منظومه‌های دو خمسه و هفت خزانه را ذکر کرده است. این نسخه «کلیات نویدی» دارای جلد چرم قهوه‌ای است که نقش روی جلد کتاب، ترنج و سرترنج می‌باشد، و خوشبختانه در این نسخه افتادگی، سوختگی، فرسودگی و خدشه اتفاق نیفتاده است و به ندرت در بعضی جاها لغاتی کم‌رنگ شده و ناخوانا است. همانطور که در آخرخزانه‌ها قید گردیده، این نسخه به سال ۹۶۹ق نوشته شده است و کاتب آن هم مشخص نیست و دارای ۷۷۰۰ بیت می‌باشد. نسخه دوم تحت عنوان «دیوان عبدی بیگ شیرازی» و مشهور به نسخه امام جمعه است و به شماره ۳۶۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است، دارای جلدی چرمی قهوه‌ای رنگ است. صفحات آن شماره نخورده، در هر صفحه ۲۷ بیت نوشته شده است که ۱۹ بیت از آن‌ها در متن صفحه می‌باشد و ۸ بیت هم در حاشیه همان صفحه گنجانده شده است، عنوان هر بخش از کتاب هم با مرکب سرخ مشخص شده و در آخر بعضی از منظومه‌ها نقشی از انسان یا حیوان و پرندگان کشیده شده است. در بعضی از صفحات آن، سوختگی و پارگی هست و تعدادی واژگان ناخوانا و مخدوش دارد و در خیلی از جاها، صفحات آن به هم ریخته و آشفته می‌باشد و در سال ۹۷۷ توسط شخصی ناشناس نوشته شده است. چون محدوده پژوهش ما درباره چهار مثنوی از «خزائن الملکوت» می‌باشد بنابراین در شناسایی این چهار مثنوی در زیر مطالبی گفته خواهد شد.

معرفی بحر مسجور، منشور شاهی، مروّج الاسواق و مهیج الاشواق:

یکی از آثار چاپ‌نشده عبدی بیگ، منظومه «خزائن الملکوت» وی است و تا حال هم کسی درباره آن کار پژوهشی انجام نداده است. این منظومه دارای هفت خزانه یا بخش است که به سبعة عبدی نیز شهرت دارند. ذبیح الله صفا می‌گوید: «منظومه دیگر عبدی بیگ خزائن الملکوت اوست که جنبه مذهبی دارد و به نام سبعة عبدی شیرازی هم معروفست. این مثنوی مذهبی از هفت بخش تشکیل می‌شود که هر یک از آن‌ها «خزانه» نام دارد و در برابر حدیقة الحقیقة سنایی و بر همان وزن سروده شده است» (صفا، ۱۳۶۷: ۵، ۲، ۷۵۰). البته معلوم نیست که چرا صفا این سخن را گفته است؟ شاید

به این علت باشد که متن اشعار عبدی بیگ را کامل نخوانده است چون شاعر در صفحه ۳۳۶ نسخه «کلیات نویدی» می‌گوید این هفت خزانه را به تبع جامی و در قالب مثنوی سروده است:

خواهم اندر تبع جامی	شوم از نظم سلسله نامی
هفت گنج از خزائن ملکوت	وقف کردم به بقعه ناسوت
سیومین نسخه بحر مسجور است	که ز مدح ائمه پر نور است
چارمین مدح شاه مهر سریر	نام منشور شاهیش ز ضمیر
پنجمینش مروج الاسواق	ششمینش مهیج الاشواق

وزن همه این مثنوی‌ها در بحر خفیف مخبون محذوف است و در هر دو نسخه با خط نستعلیق خوش نوشته شده‌اند و خزانه سوم از صفحه ۳۶۷ نسخه «کلیات نویدی» شروع و با خزانه ششم در صفحه ۴۸۸ پایان می‌یابد، و این چهار خزانه در مجموع ۱۲۱ صفحه می‌باشند، و بیش‌تر عنوان مطالب آن‌ها با مرکب سرخ مشخص گردیده است و ابیات در هر صفحه به صورت دو ردیفه آمده و در هر صفحه، ۴۶ بیت در ۲۳ سطر جای گرفته است و در کل ۵۱۳۱ بیت می‌باشند.

۱. بحر مسجور (خزانه سوم)

۱۶۴۹ بیت دارد و در مناقب حضرات ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین) است، و در عظمت معجزات و کرامات آن بزرگواران حکایاتی نقل می‌کند. این خزانه با مدح / امام علی (ع) شروع می‌شود و بعد به / امام حسن، / امام حسین و تا امام دوازدهم ادامه دارد، اما وقتی که به امام هشتم می‌رسد قصیده عربی و معروف «مدارس آیات» دعبیل خزاعی را - که در مصائب ائمه است و آن را برای / امام رضا (ع) خوانده بود - تضمین می‌کند و در زیر هر بیت عربی، ترجمه و مضمون آن را در یک یا چند بیت فارسی به نظم کشیده است و...؛ نقطه ضعف قابل توجه در «بحر مسجور» این است که شاعر در اثبات امامت امامان شیعی و همچنین در تشریح کرامات و معجزات آنان در ضمن حکایاتش، بعضاً از احادیث مجهول و مورد تردید استفاده می‌کند، خیلی از این احادیث

بعداً توسط علامه مجلسی در «بحار الأنوار» جمع‌آوری می‌شود که هنوز رد و تأیید آن‌ها جای بحث دارد.

منشور شاهی (خزانه چهارم)

در حسن سیرت شاه دین‌پرور و ترغیب دیگر حاکمان به دینداری و عدالت‌گستری است و ۱۵۲ بیت است. عبدی بیگ در این خزانه دیدگاه‌های سیاسی و کشورداری خود را بیان می‌کند. «از آنجا که بر اساس یک دیدگاه رایج می‌توان تعالیم دینی را در سه بخش «اعتقادات»، «اخلاقیات» و «احکام شریعت» جای داد و کمال دینداری جز در سایه دین‌شناسی فراهم نمی‌شود؛ از این رو شناخت صحیح آموزه‌های نظری و عملی دینی زمینه را برای یافتن منظومه معرفتی متقن و استوار و انجام درست تکالیف و وظایف دینی آماده می‌سازد و دیانتی همراه با تفقه به ارمغان می‌آورد» (ضیائی، ۱۳۹۸ش: ۲۲۰). این مفاهیم در نسخه‌های خطی قدیمی جایگاه ویژه‌ای دارند و همانطور که مشاهده می‌شود نسخه مورد بحث در این مقاله نیز از این امر مستثنی نیست. با تمام این توصیفات باید چنین افزود که در این خزانه جنبه‌های تاریخی بر مذهبی می‌چربد و شامل مدح شاه تهماسب صفوی، عدالت شاه، ذکر احادیث در ظل الله بودن شاه، یاری کردن امدادهای غیبی شاه را در جنگ، مقایسه رفتار انوشیروان عادل با شاه تهماسب صفوی، پناهنده شدن همایون شاه هند به شاه تهماسب و یاری کردن شاه تهماسب وی را، حمایت نکردن انوشیروان، ذوالیزن را تا از غصه از دست دادن حکومت جان داد، در نفاذ فرمان شاه، الزام توجه شاه به فقها و مجتهدین، علما، اطبا، و... .

مروّج الأسواق (خزانه پنجم)

در خیرخواهی خواص و عوام است و ۱۳۳۴ بیت دارد. شاعر در قالب حکایات از پند و اندرزهایی برای دنیا و آخرت افراد استفاده می‌کند و برای تأثیر کلامش از آیات و احادیث زیادی کمک می‌گیرد و در این خزانه به موضوع زنان می‌پردازد و اینکه چرا پیامبر (ص) این حدیث فرموده: «هُنَّ نَاقِصَاتُ الْعَقْلِ وَالِدِّينَ» و تربیت فرزندان را نیز بیان می‌کند و همچنین در آداب سلوک و علم اخلاق سخن می‌راند و تشویق به عزلت و

زندگی کردن در خوف و رجا تا رسیدن به مقام وحدت و فنا را لازمه سعادت اشخاص می‌داند و در کیفیت و مزیت مقام عزلت، صمت، جوع، قناعت، سَهْر، خوف، رجا و... سخن می‌گوید و آن‌ها را تشریح می‌کند. عبدی بیگ در جاهایی از اشعارش دم از درویش مسلکی می‌زند و پرداختن به موضوعات فوق نشان علاقه وی به عرفان و تصوف است.

مهیج الأشواق (خزانه ششم)

در حقیقت عشق و محبت است و دارای ۹۹۵ بیت می‌باشد و در صفحات ۴۶۵ تا ۴۸۸ نسخه خطی «کلیات نویدی» جای دارد. در آن شاعر مفصلاً به معنی عشق می‌پردازد و آن را به ذاتی و اسمایی و صفاتی تقسیم می‌کند و برای مصداق عشق والا حکایت حضرت ابراهیم و قربانی کردن فرزندش اسماعیل را به زیبایی تشریح می‌کند و برای فهم بیشتر عشق مجازی حکایت‌هایی ذکر می‌کند که یکی از آن‌ها داستان زراره و سلمی است و با اینکه داستان کوتاهی است ولی در اصل سایه‌ای از لیلی و مجنون نظامی است و اشتراکات زیادی با آن دارد از جمله آنکه حکایت هر دو در سرزمین عرب اتفاق می‌افتد و قهرمانان آن‌ها (قیس و لیلی و زراره و سلمی) نیز از قبایل عرب‌اند، قیس و زراره هر دو مجنون‌اند، لیلی و سلمی هم هر دو دل‌باخته‌اند ولی اختیاری در سرنوشت خود ندارند، حوادثی که در وادی پیش می‌آید در هر دو حکایت پرنسپل است، خانواده عاشق و معشوق با پیوند آن دو مخالف‌اند، در هر دو حکایت، قبیله نقش اساسی دارد و تصمیم‌نهایی در دست آنان است و قبیله آن‌ها سخت بر سنت کهن خویش پابرجا هستند، نزاع در دو قبیله بین آن‌ها نیز مشترک است، کعبه در هر دو قصه حضور دارد، در هر دو حکایت، عاشق را در تنگنا قرار می‌دهند تا منصرف کنند و پیوند با قبیله‌ای دیگر را به آنان پیشنهاد می‌دهند که رد می‌شود، و بالأخره هر دو ناکام از دنیا می‌روند.

اهمیت نسخ مثنوی‌های بحر مسجور، منشور شاهی، مروّج الأشواق و مهیج الأشواق

اجداد عبدی بیگ از مقربان حکومت صفویه بوده‌اند و دومین پادشاه آنان شاه تهماسب، ۵۴ سال حکومت می‌کند و عبدی بیگ به خاطر تحصیل در علم سیاق و

حساب و همچنین به دلیل امانتداری و درستی، ۴۰ سال از عمرش در دستگاه این پادشاه، مستوفیگری می‌کند و با داشتن این شغل مهم، اشعار زیادی در موضوعات مختلف می‌سراید که آنچه از آن‌ها تصحیح و چاپ شده است ۵۴۹۴۷ بیت است ولی تا کنون کسی روی چهار مثنوی فوق‌کاری نکرده است. تجربه این سال‌های مدید در دربار پادشاهی سختگیر و متشرع که خود را موظف به ترویج مذهب شیعه می‌داند، موضوعاتی را در این مثنوی‌های عبدی بیگ گنجانده است که برگرفته از عقیده و مرام اوست و از جهات مختلف اهمیت و ارزش دارد، که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. دیدگاه‌های دینی و مذهبی: او شخصیتی دیندار و متعصب دارد و بیش‌تر اشعارش در خدمت عقیده و مذهبش است با اینکه در دیگر آثارش شعر غنایی دارد اما در این مثنوی‌ها سخنش متفاوت است، و بی‌آنکه شعرش مناسبتی و یا توصیه‌ای باشد در موضوعات مذهبی کم‌نظیر است، و نشان می‌دهد که وی اطلاعات وسیع و مفیدی از تاریخ اسلام و آیات و احادیث و مذهب شیعه دارد. او برای اکثر عنوان‌های خود از آیه و یا حدیث استفاده می‌کند و سخت هم به اعتقادات پای‌بند و در ترویج مذهب و مسلک خود کوشا است، به گونه‌ای که شعر او را در این مثنوی‌ها باید یک نوع جدید از انواع شعر تلقی کرد و با احتیاط واجب علمی می‌توان گفت که عنوان شعر تعلیمی - تبلیغی برای آن مناسب باشد، البته این نوع شعر در بخشی از آثار بزرگانی چون ناصر خسرو هم سابقه دارد ولی در این خزانه‌های عبدی بیگ پیوسته و یکدست است، او به شدت حامی دینداری است:

به که اندیشه معاد کنی	عمر خود صرف اعتقاد کنی
تا کنی اعتقاد خویش درست	در ره دین حق خرامی چست

(کلیات نویدی: ۴۶۱)

او سخت محب پیامبر اکرم و امامان شیعی است و ادعاهای حق‌طلبانه و جانب‌دارانه و تعصب شدیدی که در شعر ترویجی و تبلیغی‌اش دیده می‌شود کم‌تر در آثار دیگران وجود دارد، و به خاطر علاقه‌اش به ائمه، معجزاتی چون پیامبران بدانان نسبت می‌دهد مثلاً در یکی از حکایات «بحر مسجور»، زنی حبابه نام از امام علی (ع) معجزه امامت می‌خواهد امام سنگ‌پاره‌ای از حبابه می‌خواهد و مهر خویش بر آن می‌نهد. سنگ چون

موم اثر مَهر را می‌پذیرد و می‌گوید هر که این عمل انجام داد نشان امامت اوست و این زن بعد از امام علی به نزد امامان حسن و حسین رفته تا با اثرپذیری مَهر آنان در آن سنگ، امامت‌شان ثابت شود و در زمان امام سجاد حبابه به پیری رسیده است و امام سجاد او را جوان می‌کند تا بعداً مهر تأیید امامت را از بقیه امامان بگیرد:

شد حبابه به درگهش ساکن	به صد و سیزده رسانده سن
کرد سویش نظر امام زمان	گشت از معجز امام جوان
رو چو یوسف به سوی زال آورد	چون زلیخا ز نو جوانش کرد

(همان: ۳۸۱)

ارادت عبدی بیگ در این منظومه‌ها به امام علی و امام حسین (سلام الله علیهما) بیش از دیگر ائمه است، مثلاً در قرب و منزلت امام علی (ع)، او را در حد تاج پیامبر (ص) بالا می‌برد، و به یکی از ماجراهای صدر اسلام اینچنین اشاره می‌کند که پیامبر اکرم (ص) هنگام شکستن بت‌های کعبه خطاب به علی (ع) فرمود: «یا علی! قال: لیک یا رسول الله (ص). قال: اصعد علی کتفی یا علی!.. ثم انحنی النبی فصدت علی کتفه». عبدی بیگ مقام آن امام را در این حدیث اینگونه توصیف می‌کند:

او برآمد به دوش پیغمبر

تاج را جا بود بلی بر سر

(همان: ۳۶۷)

و در علو رتبت امام حسین (ع) واقعه مرگ ابراهیم پسر پیامبر را شاهد می‌آورد؛ منقول است که روزی جبرئیل بر پیامبر نازل شد در حالی که حسین بر ران راست و ابراهیم بر ران چپ پیامبر (ص) نشسته بودند، پرسید زمانی که مرگ این دو فرا رسد کدام یک را به بودن و کدام را به رفتن انتخاب خواهی کرد پیامبر (ص) فرمود:

من به بودن، حسین را خواهم

در نظر نور عین را خواهم

(همان: ۳۸۲)

و از قضا سه روز بعد از این ماجرا ابراهیم فوت کرد. باز در حکایتی که از ائمه نقل می‌کند معتقد است که گرد و غبار خاک کربلا موجب آمرزش گنهکاران می‌شود و می‌گوید که شخصی فاسق و فاجر و ستم پیشه در بغداد بود که جز نافرمانی از حق و ظلم به مردم عملی نداشت تا زمانی که مرگ به سراغش آمد، ناچاراً به وراثت وصیت کرد

که جنازه مرا به نجف ببرید و در آن خاک دفن کنید به امید آنکه به حرمت /امام علی(ع) بخشیده شوم، آن کوه گناه را سوار بر ناقه‌ای کردند و روانه نجف شدند، در آن شب سیدی در نجف /امام علی را به خواب دید که فرمود: به مردم بگویید تا مانع آن جنازه به اینجا شوند، مردم بر دروازه شهر آماده شدند ولی آن روز نعلش او را نیاوردند، مردم متفرق شدند و همان سید دوباره /امام علی(ع) را به خواب دید که فرمود فردا همگی به استقبال او بروید و با احترام تمام در کنار من دفن کنید. پرسید یا امیر المؤمنین آن خطاب و عتاب دوش کجا و این لطف بی‌قیاس چرا؟ امام فرمود: آن روز که می‌آمدند هوا تاریک شد و راه را گم کردند و به کربلا رفتند.

گر چه یک روزه راه او شد دور	لیک شد جرم‌های او مغفور
زان که از کربلا در آن شب تار	بر سر نعلش او نشست غبار
بود آلوده گر به فسق و فجور	کرد از آن خاک غسل و شد مغفور
گر تیمم به او کند آدم	بہتر از غسل چشمه زمزم

(همان: ۳۸۴)

عبدی بیگ از آیات و احادیث و نام پیامبران و امامان و معجزات آنان نیز بجا و مناسب حال در شعرش استفاده می‌کند از جمله:

الف. استفاده از آیات قرآن: او از آیات قرآنی در مثنوی‌های دینی «خزائن الملوک»، بیش‌تر به دو منظور استفاده می‌کند: اول برای اثبات مدعای خویش و دوم برای حمایت از مذهب و ائمه دین؛ و در این کار کرد خود، هم به موضوع و محتوای آیه و حدیث توجه دارد و هم جنبه هنری و زیبایی ادبی آن را در نظر دارد. مثلاً او برای فناپذیری این جهان اینگونه به آیات قرآن استناد می‌جوید و هنرمندانه یک آیه را مصراع دوم یک بیت قرار داده و ملمع می‌سازد:

خواننده از لوح‌های گورستان آیتِ کُلِّ مَنْ عَلِيَّهَا فَاِنِ

(کلیات نویدی: ۴۵۴)

و درباره واقعه غدیر و جانشینی /امام علی(ع) اینچنین از قرآن اقتباس می‌کند:
گفت اَكْمَلْتُ دِينَكُمْ اَلْيَوْم کرد حق بعد از آن خطاب به قوم

(همان: ۳۶۹)

ب. نام پیامبران و امامان: عبدی بیگ نام پیامبر اسلام (ص) و امامان شیعی (علیهم السلام) را برای اظهار ارادت و ستایش آنان، با آوردن معجزاتی ذکر می‌کند، و همچنین در تلمیحات و حکایات تمثیلی خود، از نام و القاب و معجزات پیامبران الهی زیادی استفاده می‌کند، و نام مسیح را بیش از دیگران در شعرش به کار برده و وقتی که نام بزرگانی چون مسیح، کلیم، یوسف، سلیمان، خضر، ابراهیم، نوح و... را می‌آورد در ضمن اینکه به معجزات آن پیامبران الهی اشاره دارد بیش‌تر هدفش این است که قرب و منزلت و معجزات پیامبران را برای بزرگداشت امامان شیعی به استخدام بگیرد؛ مثلاً در ثنای امام محمد باقر (ع) می‌گوید:

از دم او مسیح عاریه جوی به چراغش کلیم مرحله پوی

(همان: ۳۸۶)

ج. استفاده از احادیث: احادیث مورد استفاده عبدی بیگ بیش‌تر از پیامبر اکرم (ص) و علی (ع) است و مورد استفاده اکثر احادیث هم در مقام و منزلت علی (ع) است:

گفت شاه نجف علیه صلوة حَسَدُ الْمَرْءِ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ

(همان: ۴۴۵)

۲. ارزش‌های تاریخی: یکی از ارزش‌های اشعار عبدی بیگ ثبت دو حادثه از تاریخ

کشورمان است که آغاز دو امتیاز بزرگ هنری و سیاسی را در ایران رقم زده‌اند.

الف. امتیاز هنری: تخت و تاج همایون پادشاه هند مورد هجوم شیرخان/افغان قرار می‌گیرد و او از برادرانش عسکری میرزا و کامران میرزا استمداد می‌طلبد ولی برادران او را یاری نمی‌کنند. ناچار به دربار شاه صفوی پناه می‌آورد و شاه تهماسب، سپاهی عظیم به فرماندهی پسرش، مأمور کمک به همایون شاه می‌کند و سرانجام سلطنتش را باز پس می‌گیرد، عبدی بیگ این ماجرا را مفصل شرح داده است؛

همرهش کرد لشکر جرّار تا موازی ده هزار سوار

همه مردان کار دیده فرد هر یکی رستمی به روز نبرد

کرد از اولاد خود یکی همراه تا بود حکمران خیل و سپاه

(کلیات نویدی: ۴۱۶)

محتشم کاشانی شاعر معاصر عبدی بیگ نیز، مختصراً و در حدّ یک قطعه هشت بیتی این حادثه مهم را ذکر کرده است، او مصراع دوم بیت زیر را ماده تاریخ این ماجرا قرار داده که به حساب ابجد، سال ۹۵۱ ق می‌باشد:

تاریخ آن قران طلبیدم ز عقل، گفت: «بوسید کامجوی جهان شاه را رکاب»
(محتشم کاشانی، ۱۳۸۹: ۷۵۵)

جوانمردی و دستگیری شاه ایران از همایون شاه سبب رونق روابط و هنر و معماری بین دو کشور می‌گردد. همایون شاه در زمان اقامتش در ایران با هنر و هنرمردانی از ایران آشنا می‌شود و در برگشت به هند، چند تن از نقّاشان و معماران و خوشنویسان و... را با خود به هندوستان می‌برد. این واقعه بیش از پیش پای هنرآفرینان ایرانی را به هند بازمی‌کند که سبب تأثیر عمیق فرهنگ و هنر ایران زمین بر شبه قاره هند می‌گردد و هم اکنون نشان هنر ایرانی در آرامگاه همایون شاه در مرکز دهلی کاملاً مشهود است. به مرور تلفیقی از هنر دو کشور پدید می‌آید و اوج ترکیب هنر این دو کشور کهن، در یکی از عجایب هفت‌گانه بشری یعنی بنای تاریخی تاج محل جلوه‌گر است.

ب. امتیاز سیاسی: «تسلط آنان [ایرانیان] بر جنوب عربستان و یمن در دوره ساسانیان و نیز یگانگی دینی ایرانیان و اعراب در هزار و چهارصد سال اخیر باعث نفوذ و تأثیر فرهنگ و تمدن ایرانی و زبان فارسی در عربی شده است (فاتحی‌نژاد، ۱۳۷۵). عبدی بیگ برای اینکه بزرگی و گشاد دستی پادشاه صفوی را نشان دهد. پناهنده شدن شاه هند به دربار شاه تهماسب را با استمداد طلبیدن *دو الیزن* شاه *جمیری* (یمن) از قیصر روم و انوشیروان مقایسه می‌کند و خواسته یا ناخواسته به ذکر واقعه‌ای پرداخته است که آغاز نفوذ سیاسی ایران در سرزمین اعراب (یمن) است. سپاهیان حبشه، یمن را تصرف می‌کنند، *دو الیزن* ابتدا به دربار روم می‌رود ولی قیصر روم او را کمک نمی‌کند و بعد به دربار انوشیروان آمده و از او استمداد می‌طلبد، انوشیروان آنقدر در یاری کردن او اهمال می‌کند تا *دو الیزن* می‌میرد و انوشیروان متأسف از مرگ او، پسرش سیف را یاری نموده و عده‌ای از زندانیان را آزاد می‌کند و همراه سیف به یمن می‌فرستد. آنان بر مسروق بن /برهه، غاصب سرزمین یمن غلبه می‌کنند و سیف بن *دو الیزن* بر یمن حاکم

می‌شود و بعد از این، تا دوره اسلامی نفوذ سیاسی ایران بر یمن تثبیت می‌شود و معمولاً حاکمان آنجا را شاهان ساسانی تعیین می‌کنند.

۳. دیدگاه‌های سیاسی: عبدی بیگ در خزانه «منشور شاهی» دیدگاه‌های سیاسی خود را مطرح می‌کند. ابتدای این منظومه را با ستایش شاه می‌آغازد و برای اینکه حالت تقدسی به ممدوح خویش بدهد اصل و نسب او را به بزرگان دین می‌رساند و می‌گوید:

شاه طهماسب پادشاه ملوک	نایب مرتضی به حسن سلوک
رونق انگیز شرع مصطفوی	موسوی الحسینی الصفوی

(کلیات نویدی: ۴۰۵)

و سپس انگیزه‌اش در این خزانه را نوشتن الگو و دستوراتی می‌داند که برای خسروان به کار آید، در نتیجه سیاست مدن خود را در «منشور شاهی» می‌گنجاند و در آن شرایطی آورده است که به بعضی اشاره می‌شود.

الف. خدا ترس بودن: وی معتقد است که اگر پادشاه خدا ترس باشد در همه حال خدا دست او را می‌گیرد و کاستی و ضعف حکومت او را می‌پوشاند.

بر بلند افسران روشن رای	هست واجب نخست ترس خدای
-------------------------	------------------------

(همان: ۴۰۷)

ب. ظل الهی شاه: «ظل الله» یک پوشش قدرت با مجوز شرعی است که به حکومت شاه می‌داده‌اند زیرا افرادی بدون تعمق و دقت در سیره پیامبر و یا با برداشتی نادرست از معانی کلمات، حدیث نبوی «السُّلْطَانُ ظِلُّ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ، فَمَنْ غَشَّهَ ضَلَّ، وَمَنْ نَصَحَهُ اهْتَدَى» را مستمسک اهداف سیاسی خویش قرار می‌دادند و البته که این مختص دوره اسلامی نیست بلکه در حقیقت پیوندی است که با اندیشه ایران‌شهری پیش از اسلام گره خورده است، چون ایرانیان بر این باور بوده‌اند که فره ایزدی موهبتی الهی است که چنانچه شاهی آن را دارا بود اطاعت از وی واجب است، و متأسفانه این سوء برداشتها هم معمولاً ریشه مذهبی داشته است. همانطور که در مذهب ایرانیان باستان عقیده داشتند هاله‌ای از قدرت اهورامزدايي بر سر شاهان پرتو افکنده است؛ «مردمان پارسی و مادی سه نوع مذهب داشته‌اند که اساساً یکی بوده ولی مختصر تفاوت‌هایی با هم داشته اول مذهب شاهان دوم مذهب مردم سوم مذهب مغ‌ها، موافق مذهب اولی اهورمزدا

خدای بزرگ یا بزرگ‌ترین خداست. او آسمان و زمین را آفریده شاه به فضل او سلطنت می‌کند و به حمایت او یاغیان و شورشیان را مطیع می‌نماید» (پیرنیا، ۱۳۷۰: ۱۶۸).
عبدی بیگ نیز به استناد حدیث فوق شاه را تشویق می‌کند که ملجأ درماندگان باشد تا شایسته زینت ظل‌اللهی گردد:

هر که بر مسند جهانبانی	یافت تمکین به رسم سلطانی
گر پناهنده را پناه بود	نام او سایه اله بود

(کلیات نویدی: ۴۱۳)

ج. رعایت عدالت و انصاف: عبدی بیگ شرط لازم برای ظل‌الله بودن را در رعایت عدالت و انصاف شاه می‌داند و می‌گوید که به تبع پروردگار سایه او نیز باید عادل باشد، وی ایمان دارد حاکمی که مزین به صفت عدالت‌اللهی باشد مستعد دیگر صفات پسندیده نیز خواهد بود، و از آنجاکه عدل خدا از اصول دین در مذهب شیعه می‌باشد در ایدئولوژی سیاسی‌اش باز به فکر ترویج و تقویت اصول مذهب خود است و ارکان هستی و قوام دولت‌ها را فقط بر عدل خدا استوار می‌داند.

شاه را ظلّ حق از آن گویند	که از او عدل ایزدی جویند
نزند شه چو بر عدالت گام	نبود سایه خدایش نام

(همان: ۴۰۸)

د. نفاذ فرمان: او قواعد حکومت‌داری را خوب می‌شناسد و آن‌ها را در قالب حکایات و حوادثی تاریخی برای سلطان وقت و آیندگان بیان می‌کند. از دیدگاه ایشان شاه باید حکمش نافذ باشد و گرنه حاکمی است بدون اختیار با یک مقام تشریفاتی که بود و نبودش یکسان است، و هرگز نباید اجازه دهد که فرمانش را مهمل بگذارند چون کشورش به نابسامانی می‌کشد.

شاه باید که چون دهد فرمان	نکند کس تخلفی از آن
گر خلافتش کس آورد به عمل	چون بداند نماندش مهمل
در زمان رو به انتقام کند	کار فرمان خود تمام کند

(همان: ۴۱۸)

او مخصوصاً برای تأیید نظرات خود حکایتی آمیخته به طنز از سلطانی مقتدر چون محمود غزنوی ذکر می‌کند که در نفاذ فرمانش بسیار سختگیر است؛ و اینچنین است که روزی در سرزمین غور راهزنان اموال شخصی را غارت می‌کنند آن مرد به شکایت نزد سلطان محمود می‌رود. سلطان نامه‌ای به امیر غور می‌نویسد که اموال این مرد را از راهزنان پس بگیر یا از مال خود دین او را ادا کن. امیر غور از این شکایت رنجیده خاطر می‌شود و با این گمان که آن پیرمرد دیگر توان شکایت و رفتن به پیش سلطان ندارد او را حسابی تنبیه کرده و دستور می‌دهد تا آن نامه را بخورد، پیرمرد بار دیگر نزد محمود به شکایت می‌رود. سلطان دستور داد تا نامه‌ای دیگر بنویسند، پیرمرد گفت: فقط نامه را کوچک بنویسید تا بتوان آن را به راحتی قورت داد! محمود از این سخن سخت برآشفته و خود با نیروهایی بر سرزمین غور حمله برد و غوریان را برانداخت. و در آخر حکایتش به این نتیجه می‌رسد که:

آن که نبود نفاذ فرمانش	نتوان خواند خان و سلطانش
شه که او را نفاذ فرمان نیست	ملک او را بدان که سامان نیست

(کلیات نویدی: ۴۱۸)

نتیجه بحث

یافته‌های ما نشان می‌دهد که شعر عبدی بیگ بی آنکه آیینی و یا توصیه‌ای باشد در موضوعات مذهبی کم نظیر است و نوعی شعر جدید تحت عنوان تعلیمی- تبلیغی به نام او می‌توان ثبت کرد. او شاعری متعصب و متشرع است که ایدئولوژی عقیدتی و سیاسی‌اش نیز برای ترویج و تقویت اصول مذهب شیعه است، فقط نقطه ضعف قابل توجه در اظهاراتش این است که در اثبات امامت امامان شیعی و همچنین در تشریح کرامات و معجزات آنان در ضمن حکایاتش، بعضاً از احادیث مجهول و مورد تردید استفاده می‌کند. در کند و کاو مثنوی «منشور شاهی» وی دریافته می‌شود که او قواعد حکومت داری را می‌داند و آن‌ها را برای سلطان وقت و آیندگان مکتوب می‌کند.

کتابنامه

آذرنوش، آذرتاش. ۱۳۸۸ش، راه‌های نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان عرب جاهلی، چاپ سوم، تهران: انتشارات توس.

پیرنیا، حسن. ۱۳۷۰ش، ایران باستانی، چاپ اول، تهران: انتشارات دنیای کتاب.

صفا، ذبیح‌الله. ۱۳۶۷ش، تاریخ ادبیات در ایران، جلد ۵، بخش ۲، چاپ دوم، تهران: انتشارات فردوس.

عبدی بیگ شیرازی. ۱۹۶۷م، مجنون و لیلی، تصحیح: رحیموف ابوالفضل هاشم اوغلی، مسکو: اداره انتشارات دانش.

عبدی بیگ شیرازی. تکملة الأخبار، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: ابوالحسین نوایی، چاپ اول، تهران: نشر نی.

عبدی بیگ شیرازی. دیوان نویدی، منشی نول کشور به مقام لکهنو، چاپ سنگی، ۱۸۸۰ میلادی.

عبدی بیگ شیرازی. نسخه خطی دیوان عبدی بیگ (نسخه امام جمعه) به شماره ۳۶۲ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

عبدی بیگ شیرازی. نسخه خطی دیوان نویدی شیرازی، به شماره ۱۹۸۲۴-۵، کتابخانه ملی.

عبدی بیگ شیرازی. نسخه خطی کلیات نویدی به شماره ۲۴۲۵ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

کاشی، تقی‌الدین. ۱۳۸۴ش، تذکره خلاصة الأشعار، ویراستار عبدالعلی ادیب برومند، تهران: میراث مکتوب.

محتشم کاشانی. ۱۳۸۹ش، کلیات، جلد ۱، تصحیح: مصطفی فیضی کاشانی، چاپ اول، تهران: انتشارات سوره مهر.

نراقی، ملا احمد. ۱۳۹۴ش، معراج السعادة، چاپ هشتم، قم: انتشارات تا ظهور.

مقالات

ضیائی، انور. بهار ۱۳۹۸ش، «بررسی تطبیقی نگاه اشعریانه به عدل در کلیات سعدی و دیوان امیر خسرو دهلوی»، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، سال سیزدهم، شماره ۴۹، صص ۲۱۹-۲۴۰.

فاتحی نژاد، عنایت‌الله. پاییز ۱۳۷۵ش، «راه‌های نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان عرب جاهلی: نقد و بررسی»، نامه فرهنگستان، شماره ۷.

Bibliography

Azartash , Azarnoosh , Ways of Persian penetration in barbarism Arabs culture and language , Toos press, Tehran Third publish , 1388.

Pirmia (former Moshir ol-Doleh) , Hassan , ancient Iran , Donyaye Ketab press , Tehran , first publish , 1370.

Safa , Zabih-ollah , History and literature of Iran (fifth book , second part) , Ferdos press , Tehran , second Publish , 1367.

Abdibeyg e-shirazi , handwritten version of Navidi cycle in number of 2425 , central library of Tehran university.

Abdibeyg e-shirazi, Handwritten version of Abdibeyg divan (Imam jomee version) in number of 362 , central library Of Tehran university.

Abdibeyg e-shirazi, Majnoon and Leyli, correction , Abolfazl - hashem oghli rahimof , Moscow , department of Danesh Press , 1967.

Abdibeyg e-shirazi, Takmelat Ol-Akhbar , introduction , correction and suspensions , Navayi , Abdol Hossein , Tehran, Ney press , first publish.

Abdibeyg e-shirazi, handwritten version of Navidi Shirazi divan in number of 5-19824 , Melli library.

Abdibeyg e-shirazi, Navidi divan, Monshi Nol of country in rank of Lakenhu , stone cover , 1880 AD.

Fatehi nezhad , Enayat-o-Allah , Ways of Persian penetration in barbarism Arabs culture and language,

Farhangestan letter , fall , 1375 , number 7 .

Kashi , Taghi- ye-din , Tazkerat of kholasa-tol-ashaar , editor : AbdolAli Adib e-Borumand , Tehran , Miras e-Maktoob press, 1384.

Mohtasham e-Kashani , cycle , first book , corrector : Mostafa Feyzi kashani , Sureye Mehr press, Tehran , First publish , 1389.

Naraghi , Molla Ahmad , Meraj ol-saadat , Ta zohoor press , Ghom , Eighth publish , 1394.

Ziyaei, Anwar , Comparative Study of adharyaneh Look at Law in General Saadi and , Quarterly Review of Comparative Literature ,Vol 49.Spring, 1398, pp 219-240.

شناخت چهار نسخه خطی از آثار عبدی بیگ شیرازی/۴۵۳
